واژگونی خونین دنا در همدان

فرهیختگان| واژگونی خونین یک دستگاه سواری دنا در اتوبان ساوه-همدان یک کشته و دو مجروح به دنبال داشت. مصطفی مرتضوی، سخنگوی سازمان امداد و نجات هلال‌احمر، در این باره گفت: «ساعت ۸ صبح یکشنبه یک دستگاه سواری دنا با دو سرنشین در اتوبان ساوه- همدان بعد از پمپ بنزین فدک به علت نامعلومی از مسیر منحرف و واژگون شد که بر اثر این حادثه یک نفر در دم کشته و سرنشین دیگر به‌شدت مجروح شد.»
مرتضوی گفت: «مجروح این حادثه به مرکز درمانی منتقل شده است و کارشناسان پلیس راهور علت وقوع این رخداد را بررسی می‌کنند.»

محکمه

گزارش «فرهیختگان» از محاکمه مردی که در جریان گروگان‌گیری دست به جنایت زده بود

ادعای شلیک ناخواسته در دادگاه

فروغ طباطبایی| مرد طلافروش که به دنبال شلیک شتابزده در جریان گروگان‌گیری در پاتوق چند پسر شرور، دست به جنایت زده بود دیروز پای میزمحاکمه ایستاد و ادعا کرد تیری که هوایی شلیک کرده با قربانی برخورد کرده و موجب مرگ وی شده است.

نیمه‌شب بیست‌وسوم شهریور ۹۲ صدای شلیک سه تیر در یکی از کوچه‌های خیابان دماوند تهران پیچید و مرد ۳۴ ساله‌ای به نام بهزاد در حالی که کلت در دست داشت از یک خانه بیرون دوید و در تاریکی شب ناپدید شد.

دقایقی بعد پلیس در جریان تیراندازی شبانه قرار گرفت و مسعود ۳۳ ساله که دو گلوله به سینه‌اش برخورد کرده بود قبل از رسیدن اورژانس به محل جان سپرد.

> طلافروش بودم و وضعیت مالی خوبی داشتم، اما از سه سال قبل با مهدی که آدم شروری بود اختلاف مالی پیدا کرده بودم. او سردسته یک گروه بود و چندین نوچه داشت. وقتی اختلاف‌های من و مهدی بالا گرفت او و نوچه‌هایش مرا به پاتوق‌شان کشاندند و با چاقو زدند

پلیس به تحقیق پرداخت و دریافت متهم فراری در جریان گروگان گرفته شدن دوست صمیمی‌اش مصطفی از سوی پسر شروری به نام مهدی، دست به شلیک خونین زده و فرار کرده است.

تلاش برای ردیابی عامل جنایت آغاز شده بود که بهزاد یک ماه بعد در حالی که با هویت جعلی در هتلی در سرعین اردبیل اقامت داشت ردیابی و بازداشت شد.

این متهم به شلیک خونین اعتراف کرد و دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست امین مقدم زهرا و با حضور دو مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در این جلسه پدر و مادر قربانی در جایگاه ویژه ایستادند و برای بهزاد حکم قصاص خواستند.

سپس بهزاد پشت تریبون دفاع ایستاد و گفت: «طلافروش بودم و وضعیت مالی خوبی داشتم، اما از سه سال قبل با مهدی که آدم شروری بود اختلاف مالی پیدا کرده بودم. او سردسته یک گروه بود و چندین نوچه داشت. وقتی اختلاف‌های من و مهدی بالا گرفت او و نوچه‌هایش مرا به پاتوق‌شان کشاندند و با چاقو زدند. می‌خواستم از آنها شکایت کنم، اما دوستانم واسطه شدند و منصرف شدم. مهدی هم وعده داد هزینه‌های درمانم را پرداخت کند، اما به قولش عمل نکرد و بدهی قبلی‌اش را هم نداد. او به خاطر درگیری دیگری بازداشت شد و دو سال به زندان افتاد، اما وقتی از زندان بازگشت، من سراغش رفتم تا طلبم را بگیرم که این بار مرا تهدید به مرگ کرد.»

وی ادامه داد: «عصر همان روز مهدی با من تماس گرفت و گفت دوست صمیمی‌ام مصطفی را گروگان گرفته و او را هم با چاقو زده است. فکر می‌کردم او برای ترساندن من و اینکه مرا از شکایت منصرف کند این ادعا را مطرح کرده، اما وقتی با موبایل دوستم تماس گرفتم و مهدی جوابم را داد مطمئن شدم مهدی، مصطفی را به پاتوقش برده است. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم کلتی را که سال‌ها پیش خریده بودم برداشتم و به پاتوق مهدی رفتم، اما وقتی مهدی در را برایم باز کرد متوجه شدم دوستان و نوچه‌های او هم آنجا هستند. آنها به سمت من حمله کردند و من از ترسم چند تیر هوایی شلیک کردم. گمان می‌کنم تیرها به دیوار برخورد کرد و پس از کمانه کردن به سینه مسعود که گوشه‌ای ایستاده بود، فرو رفت. من واقعا مسعود را ندیده بودم و هیچ خصومتی با او نداشتم.»

وی درباره فرارش به اردبیل و زندگی پنهانی با شناسنامه جعلی نیز گفت: «بعد از شلیک از ترسم فرار کردم و به غرب کشور رفتم. آنجا عکسم را روی شناسنامه دزدی که یکی از دوستانم به من داده بود چسباندم تا بتوانم برای مدتی با هویت جعلی زندگی کنم.»

این متهم افزود: «حالا بعد از گذشت سه سال از این ماجرا متوجه شده‌ام مهدی به دروغ به من گفته بود به خاطر من، مصطفی را گروگان گرفته و او را با چاقو زده است. در این مدت از دوستانم شنیده‌ام، چون مصطفی با دختر مورد علاقه مهدی در ارتباط بود، مهدی او را به پاتوقش کشانده و او را با چاقو زده بود، اما من اشتباه کردم و به هواخواهی از مصطفی وارد پاتوق مهدی شدم.»

در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

گزارش «فرهیختگان» از مرگ صالح ۱۰ ساله در روستای نشلج کاشان

آبسردکن قاتل

۱۰ سال خاطرات شیرین پسرم زیرخاک رفت

فرناز استادنوبری
F.nobari@fdn.ir

۱ «دلم خون است. پسر باهوشم مثل دسته گل به خاطر بی‌احتیاطی یک عده آدم زیر خاک رفت. کجا اینقدر به جان آدم‌ها بی‌توجهی می‌کنند؟ کجا صدبار برای یک دستگاه که مشکل دارد و برقش اتصالی می‌کند تذکر می‌دهند و مسئولانش هیچ‌توجهی ندارند؟ پسرم رفت و با رفتنش آتش‌مان زد. صالحم رفت و ۱۰ سال خاطره، ۱۰ سال شیرین‌زبانی و ۱۰ سال شیطنت‌هایش را با خود به زیر خاک برد.» مادر صالح پس از گفتن آخرین جمله دیگر نتوانست جلوی گریه‌اش را بگیرد.

۲ خودش و سه دوست دیگرش در حال دوچرخه‌سواری بودند که به آب سردکن «کوچه پایین» رسیدند. دستانش را که برای آب خوردن به آبسردکن نزدیک کرد فریادش بلند شد و به زمین افتاد. البته می‌گویند نیفتاد، پرتاب شد. دوستانش دور او جمع شدند و مردی میانسال آن میان مدام روی صورت صالح ۱۰ ساله آب می‌ریخت. پسرک تکان نمی‌خورد هر لحظه بر تعداد افرادی که دورش جمع می‌شدند بیشتر می‌شد. آن وسط پسردایی صالح برای خبر کردن مادر پسرک به سمت خانه دوید.

۳ اینجا آرامگاهی در روستای نشلج کاشان است. پیکر کوچک صالح ۱۰ ساله به همراهی خانواده و دوستان او و همچنین جمعی از مسئولان حسینیه ابوالفضل(ع) که این آبسردکن به آنجا تعلق داشته در حال تشییع است.

پیکر صالح در حالی تشییع می‌شود که هنوز جواب کالبدشکافی پزشکی قانونی کاشان نیامده است که مشخص شود علت فوت دقیقا چه بوده است. اما چیزی که همه روی آن توافق دارند این است که برق آبسردکن او را گرفته است و مدیر روابط‌عمومی اداره برق کاشان نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مرگ پسربچه بر اثر برق‌گرفتگی را تایید می‌کند.

> چرا آبسردکنی که کنار خیابان است و همسایه‌های آنجا می‌گویند بارها به حسینیه گفته‌اند این دستگاه مشکل دارد، باید باز هم کنار خیابان باشد تا چنین اتفاقی بیفتد. چرا به این راحتی با جان افراد بازی می‌شود؟

پسرم به بیمارستان نرسیده تمام کرد

عصر پنجشنبه بود که پسر بچه سراسیمه به منزل عمه‌اش رسید و گفت صالح روی زمین افتاده و تکان نمی‌خورد. بلافاصله مادر و پدر صالح به جایی که پسر بچه راهنمایی می‌کرد رفتند و با جمعیت انبوهی که کنار خیابان ایستاده بودند، روبه‌رو شدند. صدایی در جمعیت شنیده می‌شد که بروید کنار پدر و مادرش آمدند. افسوس صدای افرادی که ایستاده بودند با کشیدن آهی به گوش می‌رسد و راه برای مادر و پدر صالح باز می‌شد. مادر صالح درباره آن لحظات به «فرهیختگان» گفت: «با هر سختی‌ای که بود خودمان را به میان جمعیت رساندیم. صالح را دیدم که آن وسط دراز کشیده است. بغلش که گرفتم متوجه شدم تمام بدن و لباس‌هایش خیس است. همان موقع مسئول آمبولانس او را از من گرفت و داخل برانکارد گذاشت.» او همچنین ادامه داد: «بچه‌ام قبل از اینکه به بیمارستان بهشت کاشان برسد تمام کرد. در میان راه هم او را از آمبولانس معمولی به آمبولانس خط ویژه انتقال دادند.» او ادامه داد: «نمی‌دانم در آن لحظات زنده بود یا نه و هر چه از آنها می‌پرسیدم فقط می‌گفتند به او شوک می‌دهیم ان‌شاءالله مشکل حل می‌شود. من شوکه بودم و نمی‌فهمیدم منظورشان چیست.»

امینی همچنین توضیح داد: «می‌گویند این آبسردکن اتصالی داشته و بارها به مسئولان آن حسینیه‌ای که آبسردکن را در خیابان گذاشته بود تذکر داده بودند، ولی آنان هیچ توجهی نکرده‌اند.»

پدر صالح نیز در این باره به «فرهیختگان» گفت: «به نظر من اداره برق موظف است روی این دستگاه‌ها نظارت داشته باشد، آخر چرا باید وسیله برقی که با آب هم سروکار دارد همین‌طور با نقص در خیابان و در دسترس کوچک و بزرگ باشد؟»

او همچنین توضیح داد: «ما شکایت کرده‌ایم و پیگیر کار صالح خواهیم بود، پسر ما که از بین رفت حداقل چنین اتفاقی برای کودکان دیگر نیفتد.» او ادامه داد: «هم از هیات امنای حسینیه و هم از اداره برق شکایت کرده‌ایم. البته هنوز پاسخ کالبدشکافی صالح از پزشکی قانونی نیامده است، ولی قطعا اداره برق هم بی‌تقصیر نیست.» او توضیح داد: «این دستگاه به برق مستقیم متصل بوده و کلید هم نداشته، اگر کلید داشت هنگام اتصالی کردن برق کلید می‌پرید، ولی متاسفانه حتی کلید هم نداشته است.»

حسنی، دایی این پسر بچه، نیز به «فرهیختگان» گفت: «این دستگاه را برای کارشناسی شدن علت دقیق حادثه به پاسگاه برده‌اند. هنوز جواب دقیقی به ما نداده‌اند، ولی این‌طور که گفته می‌شود برقش اتصالی داشته و به جای فیوز، به یک سیم متصل بوده است.» او همچنین گفت: «چرا آبسردکنی که کنار خیابان است و همسایه‌های آنجا می‌گویند بارها به حسینیه گفته‌اند مشکل دارد، باید باز هم کنار خیابان باشد تا چنین اتفاقی بیفتد. چرا به این راحتی با جان افراد بازی می‌شود؟ آدم اگر شنا بلد نیست به دریاچه برود خب احتمال غرق شدنش وجود دارد، ولی به ذهن چه کسی می‌رسد که با آب خوردن از آبسردکن بمیرد؟»

دایی صالح همچنین گفت: «کسانی که در این محل ساکن یا کاسب هستند می‌گویند این آبسردکن پیش از این هم چند نفر را به صورت خفیف لرزانده بود.»

صالح ۱۰ ساله که دچار برق‌گرفتگی شد

هیچ ربطی به اداره برق ندارد

مصطفی رضاییان، مدیر روابط‌عمومی اداره برق کاشان در این باره به «فرهیختگان» گفت: «این اتفاق هیچ ارتباطی به اداره برق ندارد و آبسردکن مشکل اتصالی داشته است. مثل این است که در یک خانه یخچالی اتصالی کند و کسی را برق بگیرد، به اداره برق مربوط نمی‌شود.» او در پاسخ به اینکه مگر اداره برق به دستگاه‌هایی که در خیابان است نظارت ندارد، گفت: «اگر ببیند می‌تواند تذکر بدهد ولی کسی ندیده بود و چنین وظیفه‌ای هم نداریم. اصولا در حیطه وظایف اداره برق نیست که وسایل برقی خیابان را بخواهد بررسی کند.» رضاییان ادامه داد: «این آبسردکن از جای دیگر کلید فیوز داشته و وقتی باعث لرزش برخی از افراد شده کلید را زده‌اند و خاموش کرده‌اند. اما باز بعضی از رهگذران که دیدند خاموش شده آن را روشن کرده‌اند که باز هم ارتباطی به اداره برق ندارد.» مدیر روابط‌عمومی برق کاشان افزود: «هیات امنای این حسینیه و اصولا پیمانکاری که وظیفه برق این حسینیه را دارد مسئول است و باید پاسخگو باشد که چرا با وجود اخطارهایی که مردم داده بودند نسبت به رفع خطر اقدامی نکرده است.»

به هر حال پیکر صالح ۱۰ ساله در حالی زیر خروارها خاک آرمیده است که مسئولان محل هم برای دلجویی از خانواده امینی نرفته‌اند و به گفته این خانواده، حتی با نصب یک بنر با آنها همدردی نشده است.

واقعه

نجات معجزه‌آسای راننده خاور پس از برخورد شاخ به شاخ

فرهیختگان| راننده یک دستگاه خاور که بعد از برخورد شاخ به شاخ با یک خاور دیگر میان اتاقک در هم پیچیده گرفتار شده بود، معجزه‌آسایی نجات یافت.

بامداد یکشنبه دو دستگاه خاور در اتوبان ساوه- همدان نرسیده به روستای چپلقو شاخ به شاخ با هم برخورد کردند. شدت برخورد به‌حدی بود که کابین راننده یکی از خاورها در هم پیچید و راننده میان آهن‌پاره‌ها گرفتار شد.

امدادگران هلال‌احمر پس از حضور در صحنه عملیات رهاسازی این راننده را آغاز کردند و راننده را که معجزه‌آسا زنده مانده بود از میان آهن‌پاره‌ها بیرون کشیدند.

هر دو راننده که زخمی شده بودند به بیمارستان منتقل شدند.

بازداشت ۴ عضو خانواده افیونی

فرهیختگان| چهار عضو یک خانواده که در محله نازی‌آباد تهران شبکه تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی تشکیل داده بودند، در عملیات ضربتی پلیس بازداشت شدند.

مدتی پیش به دنبال شکایت شهروندان ساکن محدوده نازی‌آباد، درباره فعالیت مجرمانه اعضای یک باند تهیه و توزیع مواد مخدر صنعتی، پرونده‌ای در کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد تشکیل و ماموران برای شناسایی و دستگیری متهمان وارد عمل شدند. در بررسی‌ها مشخص شد چهار عضو یک خانواده در این محله شبکه تهیه و توزیع مواد مخدرتشکیل داده‌اند و اقدام به توزیع مواد مخدر صنعتی و توهم‌زا می‌کنند و موجب ایجاد ناامنی برای شهروندان و ساکنان این محله شده‌اند. ماموران کلانتری با همکاری ماموران پایگاه نهم پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ عملیات ویژه برای دستگیری متهمان را آغاز کردند و در یک عملیات ضربتی این چهار عضو یک خانواده را بازداشت کردند.

متهمان به جرم خود اعتراف کردند و در بازرسی از مخفیگاه‌شان مقدار قابل توجهی مواد مخدر از جمله شیشه و حشیش کشف و ضبط شد.

آگاهی

«علی موش» بازداشت شد

فرهیختگان| فردی مشهور به علی موش که با ترفندی خاص اقدام به سرقت موبایل و تبلت می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد.

هفدهم خرداد امسال از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ وقوع یک فقره سرقت از یک دبیرستان پسرانه در منطقه پاسداران نرسیده به چهارراه فرمانیه، به کلانتری ۱۲۳ نیاوران اعلام شد. با حضور ماموران کلانتری در محل و انجام تحقیقات اولیه مشخص شد که شخصی تحت‌عنوان اولیای یکی از دانش‌آموزان وارد دبیرستان شده و اقدام به سرقت یک گوشی تلفن همراه و یک لپ‌تاپ متعلق به دو نفر از مربیان دبیرستان کرده است. با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع سرقت اماکن و به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

مدیریت دبیرستان با حضور در پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد: «ساعت ۱۳:۲۰ هفدهم خرداد متوجه شدیم که یک دستگاه گوشی تلفن همراه و یک دستگاه لپ تاپ مدرسان سرقت شده است. با بازبینی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته مستقر در دبیرستان مشخص شد که فردی حدودا ۳۸ ساله با ریش پروفسوری و با عینک موشی، با موهای کم‌پشت، اقدام به این سرقت کرده است. در بررسی بیشتر موضوع نیز مشخص شد که این شخص با ادعای پرداخت وجه شهریه فرزندش وارد دبیرستان شده و پس از ۴۵ دقیقه توقف در مدرسه با سرقت لپ‌تاپ و تلفن همراه از آنجا خارج شده است.»

با آغاز تحقیقات، ماموران موفق به شناسایی تعداد دیگری از شکایت‌کنندگان و مالباختگانی شدند که گوشی‌های تلفن همراه یا تبلت آنها به همین شیوه و شگرد، از محل کارشان سرقت شده بود. متهم با ترفندهای خاصی وارد شرکت‌های خصوصی و مراکز آموزشی شده و در یک لحظه گوشی تلفن همراه یا تبلت کارمندان را به سرقت می‌برده است. با شناسایی ده‌ها مالباخته و بررسی تصاویر به‌دست آمده از برخی از محل‌های سرقت، یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه کش‌روی و سرقت از اماکن به‌نام علیرضا (متولد ۱۳۵۶) شناسایی شد که سال ۹۳ نیز دقیقا به همین اتهام دستگیر و روانه زندان شده بود. با شناسایی محل سکونت علیرضا و تحقیقات از اعضای خانواده متهم، مشخص شد که خانواده علیرضا سال ۹۳ او را به خاطر خلاف‌هایش از خانه بیرون کرده و متهم حالا بلامکان است. همزمان با ثبت اطلاعات علیرضا در سیستم جامع پلیس آگاهی به‌عنوان مجرم تحت تعقیب پایگاه یکم پلیس آگاهی، ماموران مطلع شدند که متهم تحت تعقیب آنها چندی پیش و در حین سرقت به شیوه «موبایل‌قاپی» با یک دستگاه موتورسیکلت طرح هوندا ۱۲۵ مشکی، از سوی ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ دستگیر شده است.

شناسایی متهم توسط ده‌ها مالباخته

با شناسایی متهم، او در بازجویی‌های به عمل آمده به ده‌ها فقره کش‌روی و همچنین موبایل‌قاپی در تمامی مناطق شهر تهران به‌ویژه در فرمانیه، آیت‌الله کاشانی، قیطریه، محلاتی، خیابان دولت، سهروردی، تهرانسر، شریعتی، قلهک، کریمخان، پاسداران، میدان هروی، تجریش، شهرک فرهنگیان، مجیدیه، شمیران نو، خیابان هنگام، نیاوران، کامرانیه، ستارخان، الهیه، چیذر، مینی‌سیتی، لشگرک، شهرک نفت، سیدخندان، شهرک کوثر و... اعتراف کرد. او گفت: «پس از آنکه برای چندمین بار در سال ۹۳ دستگیر شدم، تصویرم در روزنامه‌ها منتشر شد و اعضای خانواده نیز پس از دیدن تصویر من در روزنامه‌ها و اطلاع بستگان، دوستان و همسایگان از سارق بودن بنده، به‌طور کامل مرا ترک کردند؛ پس از آزادی از زندان جای مشخصی را نداشتم. گوشی‌های تلفن همراه و دیگر اموال مسروقه را در خیابان جمهوری به تعدادی از خریداران اموال مسروقه که آنها را از قبل می‌شناختم فروختم تا هزینه روزمره‌ام را تامین کنم.»

کرم یوسف‌وند، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: «با توجه به سوابق متعدد متهم در ارتکاب جرائم مختلف به‌ویژه کش‌روی از اماکن، دستور انتشار بدون پوشش تصویر متهم از سوی مقام قضایی صادر شده است و کسانی که موفق به شناسایی چهره این متهم شده‌اند به پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

تصویر متهم با دستور قضایی منتشر می‌شود

جدول کلمات متقاطع

۱۷۹۰

افقی

۱– مابعدالطبیعه- گرداب و ورطه **۲**– روش و طرز عمل- لاک‌پشت- روادید **۳**– آه سوزناک- مشایعت نظامی- زیر فرنگ **۴**– از ما بهتران- حرکت کرم- حرف نفی عرب- آغاز و شروع **۵**– روزنامه پرتیراژ ژاپنی- شناخته‌نشده- نفس خسته **۶**– خوف- نبات- ماه بزرگ وتمام **۷**– گاز مرداب- عکس پرسنلی- تصدیق فارسی **۸**– ربیع- ته دیگ- آهو **۹**– خشن و ناهموار- کمک‌پرستار- کافر و بی‌دین **۱۰**– زندانیان- مغازه- کلرا **۱۱**– گفت‌وگوی خودمانی- نشان- کیسه **۱۲**– کاخی در پاریس فرانسه- صدمه و آسیب- پارچه یمانی- حرف توفیر **۱۳**– نام- قصه و حکایت- کالا **۱۴**– مقام و درجه- عضو تنفسی ماهی- پشتیبانی کردن **۱۵**– رفیق ترکی- دسته‌ای از اعضای یک حزب

عمودی

۱– بازگشتن- مجد **۲**– سرگرمی- صومعه‌نشین- ابابیل **۳**– آینده- از شهرهای گیلان- مظهر و نماد **۴**– چراغ دریایی- صد مترمربع- آسمان- ضربه سر **۵**– مساوی عامیانه- اطاق قطار- خوبی‌ها **۶**– خدایی- از شهرهای همدان- آشکار شدن خبر **۷**– خشک شدن- آمریکایی را گویند- حبیب خدا **۸**– موی میان سر- خوشرو- کشف‌کننده **۹**– سفره- واحد پول فنلاند- پراکنده کردن **۱۰**– محبت- از خدایان یونانی- میوه هندی **۱۱**– سرگذشت پیشینیان- کرسی خطابه- نقش‌اندازی **۱۲**– از غلات- متحیر ماندن- حالت بیهوشی- سقز جویدنی **۱۳**– فهرست- از شهرهای استان فارس- عقیده و نظر **۱۴**– حر- سوار- اسباب‌بازی قدیمی **۱۵**– نماد کریسمس- زینت دادن

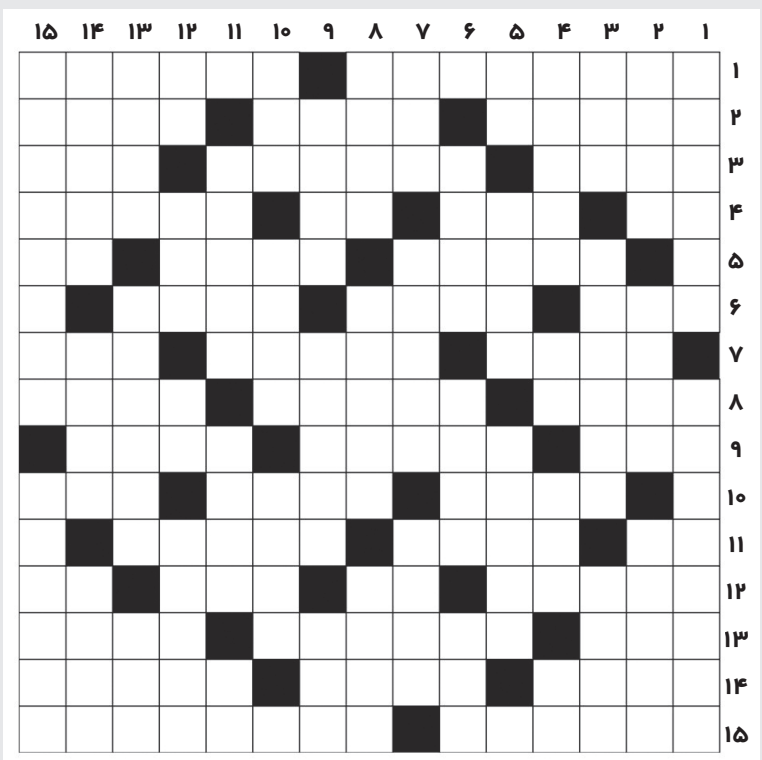
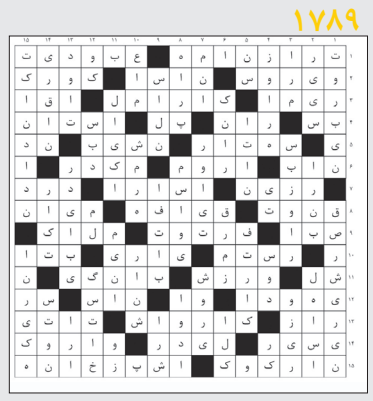
۱۷۸۹